

## وجوه معنایی واژه «امة» در قرآن (بررسی و نقد ترجمه‌های فارسی)

پوران میرزائی (عضو هیات علمی دانشگاه قرآن و حدیث)

mirzaee785@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۱۵

### چکیده

از آنجا که زبان قرآن عربی است و فهم آن برای مسلمانانی که به این زبان احاطه ندارند دشوار است، ترجمه این کتاب مقدس به سایر زبان‌ها، از جمله زبان فارسی، از دیرباز مورد توجه عالمان قرار گرفته است اما یافتن معادل درست و یا بهتر، برای واژه‌ها و عبارات قرآنی کاری بس دشوار است که از سوی مترجمان با خطا روبه‌رو شده است. از جمله این کلمات واژه «امة» است که در زبان عربی در بیش از چهارده معنا به کار رفته که پنج گونه معنایی آن در قرآن کریم آمده است. این وجوه معنایی عبارت‌اند از: جماعت، دسته یا گروه دارای وجه مشترک، کیش و آیین، مدت و زمان، پیشوای اسوه و خواص مؤمنان، خلق. ترجمه دو گونه اخیر که در مجموع پنج آیه را دربر می‌گیرد میان مترجمان، اختلافی است و در برخی آیات هیچ معادل صحیحی از مترجمان ذیل آیه ارائه نشده است. این پژوهش با مقایسه و نقد تفسیری - لغوی ترجمه‌های فارسی، به کاوش در این زمینه پرداخته که ثمره آن یافتن معادل معانی پیشوا و خلق برای این دسته از آیات است.

**کلیدواژه‌ها:** امة، وجوه معنایی، ترجمه‌های قرآن، نقد.

## مقدمه

قرآن به‌عنوان مهم‌ترین منبع برای بررسی‌ها و پژوهش‌های اسلامی، از آغاز نگارش تاکنون در مدت چهارده سده، جایگاهی ویژه داشته است و مسلمانان به آموختن و آموزاندن آن پرداخته‌اند و بر محور آن بررسی‌های گوناگونی را گسترش داده‌اند؛ به طوری که قرآن را می‌توان یکی از پرترجمه‌ترین کتاب‌ها دانست. ترجمه این کتاب با اهداف و اغراض گوناگونی توسط مسلمانان و حتی پیروان دیگر ادیان صورت پذیرفته و این رویکرد همچنان رو به افزایش است.

برخی دانشمندان مسلمان در گذشته بر این باور بودند که ترجمه قرآن به زبانی دیگر جایز نیست؛ اما امروزه در آن اختلافی نیست و شاهد ترجمه‌های متعددی از قرآن به سایر زبان‌ها از جمله زبان فارسی هستیم و به همان نسبت توجه به میزان درستی یا نادرستی این ترجمه‌ها از همان بدو نگارش مورد توجه و نقد عالمان قرار گرفته است. این بررسی و نقد با دو رویکرد نقد کامل یک ترجمه و یا نقد معادل‌سازی برای برخی واژگان صورت پذیرفته است این پژوهش نیز با رویکرد دوم در مقام بررسی درستی یا نادرستی ترجمه‌های ارائه شده برای واژه «امة» است<sup>۱</sup> که پیش از این به صورت مجزا در قالبی مستقل بدان پرداخته نشده بلکه بعضاً ذیل نقدهای یک ترجمه و ذیل آیات به صورت جسته و گریخته بدان اشاره شده است.

واژه «امة» و جمع آن «امم»، ۶۴ بار در ۵۶ آیه از قرآن کریم در معانی مختلف به کار رفته است (جدول شماره ۱). با وجود اینکه در بیشتر موارد مترجمان و مفسران، در بیان معنای این واژه ذیل آیه‌ای که به کار رفته است متفق‌اند و اختلاف آنان بسیار جزئی و نزدیک به هم است اما در برخی موارد اختلافی فاحش در معانی آن در برخی آیات به چشم می‌خورد. به گونه‌ای که هر یک از معانی بیان شده ذیل آیه، فهم متفاوتی از مراد خداوند متعال را در بر دارد که پذیرش یا عدم پذیرش آن منوط به باورها و اعتقادات مخاطبان است.

پیش از این در باب وجوه معانی این کلمه میان لغویان بحث شده است اما در این نوشتار، ابتدا معنای لغوی و چگونگی استعمال این واژه در میان عرب‌زبانان بررسی می‌شود و سپس با دسته‌بندی آیات قرآن کریم مشخص می‌گردد که از مجموع معنای ای که این واژه در زبان عربی بر خود حمل می‌کند کدام مفهوم در قرآن به کار رفته است. سپس با مقایسه ترجمه‌های آیاتی که



فهم مراد از این کلمه در آن دشوار است و نیز مقایسه فهم مترجمان و معانی ارائه شده از سوی مفسران ذیل هر آیه، لغزش‌ها و یا دقت نظرهای مترجمان به نقد کشیده می‌شود و با گزینش و یا پیشنهاد معادل فارسی مناسب، سعی می‌شود ترجمه بهتر و یا صحیح‌تر مشخص گردد. برای رسیدن به این مقصود، در ادامه پنج گونه مختلف معنایی از این واژه که در قرآن کریم به کار رفته است به تفکیک بررسی خواهد شد.

### ۱. معنای لغوی (وجوه معنایی واژه «امة»)

واژه امة از ریشه «ا م م» و در اصل به معنای «قصد» است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۲/۱۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۳۶/۱) و به صورت کلی به جماعت یا گروهی گفته می‌شود که در یک قصد یا نظر مشترک باشند و بتوان آن‌ها را در یک زبان، مکان، دین و... با هم جمع کرد چه این اجتماع به اجبار باشد یا به اختیار (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۶؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱۳/۶). این کلمه به صورت متعارف بیشتر به پیروان و یا قوم یک پیامبر اطلاق می‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴۲۸/۸؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱۳/۶). سایر معانی مستعمل این واژه نیز از همین اصل معنایی گرفته شده و در مجموع نزد عرب‌زبانان در بیش از چهارده معنا به کار رفته است که عبارت‌اند از «دین، کیش و آیین، جماعت، دسته و یا گروهی از مردم یا سایر موجودات زنده (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴۲۸/۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۴/۱۲ تا ۲۸) فرد یا گروهی که جامع خیر و خصلت حمیده و اسوه باشند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۶؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱۱/۶ تا ۱۳) و یا منفردی که نظیر نداشته باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۷/۱۲)، مدت و زمان، قوم یک پیامبر، پیروان انبیاء، طریقه و راه و روش، کل مردم و خلق خداوند متعال، مادر، معلم خیر، قامت، وجه، طاعت، عالیم» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۷/۱۲ و ۲۸؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱۱/۶ تا ۱۳؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۳۶/۱)

به جز معانی «مادر، معلم، قامت، وجه، طاعت» که به صورت قطعی در قرآن کریم به کار نرفته، سایر معانی در آیات مختلف آمده است که بسته به ذوق و گزینش مترجمان در پنج گونه معنایی با الفاظ مختلف در ترجمه برخی آیات نمایان شده است. در ادامه به تفکیک به هر کدام پرداخته می‌شود.

## ۲. گونه‌های معنایی واژه «امة» در قرآن کریم

### ۱-۲. آیات مورد اتفاق مترجمان در ترجمه

در بسیاری از آیات اگرچه معادل‌هایی که مترجمان برای گزارش از وجه معنایی امة در نظر گرفته‌اند مختلف است اما در عین تعدد الفاظ، معانی مترادف‌اند و می‌توان آن‌ها را یکسان محسوب کرد و ذیل یک گونه جای داد. در این بخش به سه گونه مشترک که در میان مترجمان در وجه معنایی آن اختلاف نیست اشاره می‌شود.

#### ۱-۱-۲. گونه اول: واژه «امة» به معنای جماعت، دسته یا گروه دارای وجه مشترک

در اکثر آیات قرآن کریم مراد از امة همان جماعت یا گروهی است که در یک چیز اعم از دین، مکان زندگی، زبان، یا فرهنگ با هم مشترک‌اند و مترجمان نیز هر یک با ذوق و سلیقه خود معادلی نزدیک به همین معنا را برگزیده‌اند که با وجود اختلاف در لفظ، در معنا به هم نزدیک است و تفاوت لفظ منجر به تفاوت مفهوم یا باور نمی‌شود. از این رو این گونه معنایی، اختلافی نیست. به جز آیاتی که در ادامه پژوهش در سایر گونه‌ها از آن‌ها یاد شده است، دیگر آیات در این دسته جای می‌گیرند.

#### ۱-۲-۲. گونه دوم: واژه «امة» به معنای کیش و آیین

واژه امة در دو آیه از سوره مبارک زخرف به معنای «کیش و آیین» به کار رفته است که اکثر مترجمان بدان اشاره داشته‌اند و تقریباً این معنا مورد اتفاق است: «بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ» (الزخرف: ۲۲).

همچنین تعبیر «امة واحدة» نیز در هشت آیه (جدول ۱) از قرآن کریم به همین معنا آمده است که مترجمان هر یک با عباراتی مترادفی همچون «دین، مذهب و...» از آن یاد کرده‌اند.

#### ۱-۲-۳. گونه سوم: واژه «امة» به معنای مدت و زمان

واژه امة در دو آیه از قرآن کریم به معنای مدت و زمان به کار رفته است:

«وَلَيْسَ أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لِّيَقُولُوا مَا يَحْسِبُهُ أَلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ

مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (هود: ۸)؛

«وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ» (يوسف:



؛(۴۵)

مترجمان در هر دو آیه عمدتاً از معادل مدت و زمان و مفاهیم مترادف آن استفاده کرده‌اند. سه تن از مترجمان در معادل‌یابی آیه دوم قیدهایی افزوده‌اند که به‌نوعی برگرفته از تفسیر است: - یکی از آن‌هایی که از زندان نجات یافته بود، بعد از چند سال یاد یوسف افتاد (ارفع، ۱۳۸۵)؛

- و آن (رفیق زندانی یوسف) که نجات یافته بود و بعد از چندین سال به یاد یوسف افتاد (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰)؛

- و از آن دو (زندانی) آن کس که نجات یافته بود و پس از مدتی دراز (زندانی و یوسف و تعبیر خواب را) به یاد آورده بود. (مشکینی، ۱۳۸۱).

#### ۲-۱-۳-۱. ارزیابی تفسیری

تعبیر «چند سال و یا مدتی دراز» در داستان زندانی شدن حضرت یوسف علیه السلام که از سوی مترجمان جایگزین شده، بیشتر ناظر به روایات تفسیری است. مفسران ذیل این آیه پس از اشاره به داستان زندانی شدن حضرت یوسف علیه السلام در بیان مدت زمان زندانی شدن ایشان با عباراتی همچون مدّة طویله، (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۴/۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۳۱۹/۶)؛ بعد حین من الدهر و زمان طویل (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۶۴/۵) و... طولانی بودن این زمان را گزارش کرده‌اند.

#### ۲-۱-۳-۲. ارزیابی ترجمه‌ها و جمع‌بندی

همان‌گونه که در بخش معنای لغوی اشاره شد، کلمهٔ امة در زبان عربی صرفاً به معنای «مدت و زمان» اعم از طولانی یا کوتاه به کار رفته است. از این رو به نظر می‌رسد بهتر بود مترجمان با نهادن این قید در گروه، آن را از اصل معنای جایگزین، جدا سازند. برای مثال پیشنهاد می‌شود چنین ترجمه شود: «آن کس که نجات یافته بود پس از مدتی [طولانی] به یاد یوسف افتاد»

#### ۲-۲. آیات اختلافی میان مترجمان در ترجمه

در مجموع، پنج آیه در بر دارندهٔ واژهٔ «امة» هستند که میان مترجمان در معنایی آن اختلاف بارز وجود دارد و نیازمند ارزیابی و کشف معادل صحیح است. این مجموعهٔ پنج‌گانه از

نگاه این نوشتار در دو گونه معنایی جای می‌گیرند که عنوان اطلاقی برای این دو گونه، ثمرهٔ گزینش وجه معنایی نگارنده است. از این رو بر خلاف سه گونهٔ پیشین پذیرش یا عدم پذیرش عناوین منوط به بحث و بررسی است.

## ۲-۲-۱. گونهٔ چهارم: واژهٔ «امة» به معنای پیشوا و خواص مؤمنان

مراد از پیشوا فرد یا افراد جامع خیر و اعمال نیکو هستند که به عنوان الگوی زندگی و رفتاری برای سایر اقشار مردم به شمار می‌روند. همان‌گونه که یکی از معانی لغوی این واژه در میان عرب‌زبانان بدان اشاره دارد و در بخش معنای لغوی از آن یاد شد. از این رو تعبیری همچون «عالم، امامی که به او اقتدا می‌شود، پیشوا، معلم خیر بودن، فرد یا گروهی که جامع خیر و خصلت حمیده و اسوه باشند و یا منفردی که نظیر نداشته باشد» که میان لغویان برای این واژه به کار رفته است همه به نوعی واگویی همین مفهوم مشترک است. در ادامه چهار آیه از آیات در بر دارندهٔ واژهٔ امة را به بررسی می‌نشینیم که در نگاه پژوهش‌گرانهٔ این متن به مفهوم مذکور هستند و مترجمان و مفسران به صورت اختلافی هر یک معادلی برای آن ارائه داده‌اند.

۲-۲-۱-۱. ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ (البقرة: ۱۴۳)

### ۲-۲-۱-۱-۱. ترجمه‌ها

بیشتر مترجمان ذیل این آیه از عبارات «جماعت و امت» به عنوان معادل کلمه امة استفاده کرده‌اند و تنها ترجمه‌های زیر به مفهوم و مراد اصل آیه تا حدودی توجه داشته‌اند و عباراتی همچون مسلمانان کامل، ائمهٔ معصومین (علیهم السلام) را جایگزینی از واژهٔ امت گرفته‌اند:

- و این چنین شما را (مسلمانان کامل را) جماعت میانه و معتدل قرار دادیم... (قرشی، ۱۳۷۷)؛

- و ما هم چنان (که صراط مستقیم و راه راست را راهنمایی نمودیم) شما (ائمهٔ معصومین: امیرالمؤمنین و یازده فرزندش (علیهم السلام) را امت و گروه با عدالت و دادگری (یا برگزیده) گردانیدیم... (فیض الاسلام، ۱۴۱۵)؛

اختلاف ترجمه‌ها بیشتر در تعیین مرجع ضمیر «کم» است که آیا شامل تمام امت مسلمان می‌شود یا برخی از ایشان را در بر می‌گیرد اما به نظر پژوهنده، نیاز است معادل دیگری با توجه به



مفاهیم لغوی و تفسیری ارائه شده، جایگزین کلمه امت شود که خود تعیین کننده مرجع ضمیر پیش از خود نیز باشد. مفاهیم لغوی این واژه پیش تر بحث شد حال به مفاهیم تفسیری می پردازیم تا بتوان به ارزیابی صحیحی از معادل درست در ترجمه دست یافت.

## ۲-۲-۱-۱-۲-۲. ارزیابی تفسیری

علامه طباطبایی ذیل تفسیر این آیه به صورت مبسوط و به قرینه شاهد بودن این «امة» بر اعمال دیگران که در آیه قید شده است بیان می دارد که از مفهوم شهادت و لوازم آن برمی آید که نمی توان مراد از آن را تمامی و تک تک افراد امت برشمرد چراکه هیچ یک از آنان بر حقایق و نیز تمامی اعمال سایر مردم آگاه نیستند و چون شهادت به معنای تحمل حقایق اعمالی است که مردم در دنیا انجام می دهند معلوم است که چنین مقام کریمی، شأن همه امت نیست و کرامت خاصه ای برای اولیاء طاهرین از ایشان به شمار می رود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۱۹/۱ تا ۳۲۴؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۲۲۱/۱).

نیز در روایات مستند بسیاری از ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان مصداق اکمل این آیه یاد شده است<sup>۲</sup> و نیز بیان شده که مگر می شود امتی که بعضی افرادش لایق گواهی دادن برای چند عدد خرما در دادگاه های دنیا نیستند، لیاقت گواهی دادن بر همه مردم در قیامت را داشته باشند (حویزی، ۱۴۱۵: ۱۳۴/۱)؟

در سایر کتب تفسیری شیعه و سنی از این مطلب سخن به میان نیامده و تنها به معنا کردن امة وسط بسنده شده است اما تعابیر ایشان مؤید این تخصیص از عمومیت امت است برای مثال در کتب تفسیر اهل سنت آمده: «أَوْسَطُهُمْ أَيُّ أَحْيَرِهِمْ وَأَعْدَلِهِمْ» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸/۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۲۷/۱). همچنین در بیان دلیل مصداق بودن مسلمانان برای آیه آورده اند: «فَإِنَّ الْمُسْلِمِينَ لَمْ يَقْضُوا فِي دِينِهِمْ كَالْيَهُودِ، فَإِنَّهُمْ قَتَلُوا الْأَنْبِيَاءَ، وَ بَدَّلُوا كِتَابَ اللَّهِ، وَ لَمْ يَغْلُوا كَالنَّصَارَى، فَإِنَّهُمْ زَعَمُوا أَنَّ عِيسَى ابْنَ اللَّهِ» (ابن جوزی، ۱۴۲: ۱۱۹/۱). حال آنکه ناگفته پیداست که اگر مصداق کل امت مسلمان باشد و مرجع ضمیر به کل مسلمانان بازگردد اتفاقاً در میان ایشان هم کسانی است که در دین داری خویش کوتاهی کرده اند و هم کسانی که فرزندان پیامبر خود را کشتند و هم کسانی که به غلو و انحراف گویی از اصل دین مبتلا هستند. از این رو می توان از همین فهم مفسران درباره این آیه استفاده کرد و نتیجه گرفت که قطعاً مراد از امت در

این آیه شریف، تک تک افراد امت نیست بلکه افرادی خاص از مؤمنان است که شایستگی چنین شأنی را دارند.

#### ۲-۲-۱-۱-۳. ارزیابی ترجمه‌ها و جمع‌بندی

با توجه به آنچه گفته شد، مشخص می‌شود که تمامی مترجمانی که معادل «أُمَّةً وَسَطًا» را امتی میانه‌رو گرفته‌اند، در واقع در معادل‌سازی میان مفهوم امت بودن و وسط بودن خلط کرده‌اند و با ترکیب این دو با هم، امة را به همان معنای امت ترجمه کرده‌اند و در واقع معادلی برای آن بیان نکرده‌اند. از این رو عمده ترجمه‌ها دچار چنین خلطی است و تنها در دو ترجمه قرشی و فیض الاسلام در داخل پرانتز مرجع ضمیر «کم» به مسلمانان کامل و ائمه اطهار عليهم السلام ترجمه شده است. اما این دو ترجمه نیز معادل امة را همان امت ترجمه کرده‌اند؛ اما به نظر نگارنده، نیاز است از میان معانی لغوی مستعمل در زبان عربی برای واژه امة، به جای معنای جماعت یا گروه، معنای «پیشوا و امام بودن و یا اسوه بودن» برگزیده شود تا اشکال‌های یادشده به وجود نیاید. از این رو ترجمه پیشنهادی این است: «و این چنین شما را پیشوای میانه‌رو قرار دادیم تا گواه بر مردم باشید».

۲-۲-۱-۲. ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (النحل: ۱۲۰)

#### ۲-۲-۱-۲-۲. ترجمه‌ها

مترجمان اکثراً وجه معنایی واژه امة را همان، امت و جماعت در نظر گرفته‌اند اما برخی ترجمه‌ها از دقت نظر بیشتری برخوردار است که در ادامه آمده‌اند:

- ابراهیم پیشوایی مطیع خدا و مایل به حق بود و از مشرکان نبود (خواجوی، ۱۴۱۰)؛

- بی‌گمان ابراهیم معلم خیر، فرمان‌بردار خدا و پاک‌دین بود، و هرگز از مشرکان نبود (رهنما، ۱۳۴۶)؛

- به‌راستی ابراهیم، پیشوایی مطیع خدا [و] حق‌گرای بود و از مشرکان نبود (فولادوند،

۱۴۱۵).

#### ۲-۲-۱-۲-۲. ارزیابی تفسیری

در تفاسیر چندین وجه معنایی ذیل وصف امت بودن حضرت ابراهیم عليه السلام بیان شده است؛ از جمله اینکه «ایشان قائم مقام جماعت در عبادت خدا بودند؛ به معنای امامی است که به وی





اقتداء می‌شود؛ ابراهیم امتی بوده که تا مدتی یک فرد داشته و آن هم خودش بوده؛ چون تا مدتی غیر از آن جناب فرد دیگری موحد نبوده است و ایشان سرچشمه پیدایش امتی بودند» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۶۸/۱۲؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۴۷۱/۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۴۸/۱۱). اکثر مفسران مفهوم «مقتدا بودن» را برگزیده‌اند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۵۲۴/۴؛ حقی، بی‌تا: ۹۳/۵؛ طنطاوی، بی‌تا: ۲۵۷/۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۴۲/۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲: ۵۹۱/۲). علامه طباطبایی (۱۴۱۷) هر چهار معنا را آورده و بیشتر بر وجه اول نظر دارد البته به صورت صریح موضع خود را مشخص نکرده است (۳۶۸/۱۲). برخی از مفسران نیز همه معانی را قابل جمع دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۴۸/۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۲: ۳۵۹/۸؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۴۷۱/۶). بحث در این آیه نیز همانند آیه پیشین است که مفصل بدان پرداخته شد.

#### ۲-۲-۱-۲-۳. ارزیابی ترجمه‌ها و جمع‌بندی

با توجه به آنچه از وجوه معنای لغوی و نیز تفاسیر برمی‌آید باید گفت دو ترجمه خواجوی و فولادوند بهتر توانسته‌اند هم به وجه صحیح معنایی امة اشاره کنند و هم مفهوم اطاعت را در واژه «قانتاً» بیان دارند از میان دو ترجمه مذکور نیز معادل «حق‌گرای» در ترجمه فولادوند نسبت به «مایل به حق» در ترجمه خواجوی صحیح‌تر می‌نماید.

۲-۲-۱-۳. ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران: ۱۰۴)

#### ۲-۲-۱-۳-۱. ترجمه‌ها

می‌توان گفت تمامی مترجمان به اتفاق معادل واژه امة را در این آیه همان امت و گروه دانسته‌اند به جز ترجمه خواجوی که در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود:

- عالمانی از شما باید باشند که به‌سوی نیکی بخوانند و امر به معروف کنند و نهی از

منکر، آنان همان رستگاران‌اند (خواجوی، ۱۴۱۰)؛

- و باید از شما گروهی باشند که (مردم را) به‌سوی کار خیر دعوت نمایند و به کار نیک

امر کنند و از کار زشت بازدارند، و آن‌ها ایند که رستگارانند (مشکینی، ۱۳۸۱)؛

- و باید گروهی از شما [بر اساس دین مبین] مردم را به نیکی و درستی دعوت کنند،

امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آن‌ها همان رستگاران‌اند (صفارزاده، ۱۳۸۰)؛

- باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگاران اند (مکارم، ۱۳۷۳)؛  
 - و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند، و آنان همان رستگاران اند (فولادوند، ۱۴۱۵).

## ۲-۲-۱-۳-۲. ارزیابی تفسیری

برای تبیین معنای این واژه نیاز است به سه عبارت دیگر در آیه توجه کرد؛ ابتدا واژه «من» که باید نوع آن معین شود چراکه در معنای عبارت تاثیرگذار است. دوم در نظر داشتن ساختار تأکید در عبارت «وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» که بیانگر لزوم عملی است که آیه متضمن آن است و سوم عبارت «وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» که وصفی برای واژه امة به شمار می‌رود. از این رو باید با مراجعه به تفاسیر به این سه بخش پرداخته شود تا بتوان وجه معنایی امة را از میان معانی لغوی مستعمل در زبان عربی برای این کلمه، تشخیص داد.

عمده مفسران، «من» را تبعیضیه می‌شمارند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۹۶/۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۹۰/۳؛ ابن عجبیه، ۱۴۱۹: ۳۸۹/۱) و برخی آن را بیانیه لحاظ کرده‌اند اما مهم آن است که در هر دو وجه مفهوم بعضیت نهفته است علامه در این باره می‌گوید:

دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که اگر واجب باشد طبعاً واجب کفایی خواهد بود. چون بعد از آنکه فرضاً یکی از افراد اجتماع این امور را انجام داد، دیگر معنا ندارد که بر سایر افراد اجتماع نیز واجب باشد که همان کار را انجام دهند. پس اگر فرض کنیم، امتی هست که روی هم افرادش داعی به سوی خیر و امر به معروف و ناهی از منکرند، قهراً معنایش این خواهد بود که در این امت افرادی هستند که به این وظیفه قیام می‌کنند. پس مسئله در هر حال قائم به بعضی افراد جامعه است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/۳۷۳).

با توجه به تأکید «ولتکن» مشخص می‌شود که بعضی از امت لزوماً باید وظیفه محول آیه را متحمل شوند و عبارت «وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» نشان از جایگاه ویژه ایشان دارد. در تفاسیر آمده «هذه خاص غیر عام» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۶۶/۱)؛ و اوصاف این امة را نیز، تفاسیر روایی شیعه و سنی با عباراتی همچون «فهذه الآية لآل محمد ﷺ و من تابعهم» (بحرانی، ۱۴۱۶: ۶۷۴/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۶۶/۱)؛ «هم خاصة الصحابة و خاصة الرواة، يعني المجاهدین



و العلماء» (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۷۸/۲)؛ «إماما یقتدی به» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۷۲۷/۳) گزارش می‌کنند.

### ۲-۲-۱-۳-۳. ارزیابی ترجمه‌ها و جمع‌بندی

با توجه به آنچه گفته آمد به نظر می‌رسد این کاربرد امة در آیه مذکور نیز به مفهوم گروه خاصی از مؤمنان است که با توجه به وجوه معنایی لغوی این واژه همان مفهوم خواص مؤمنان و افراد اسوه‌گزینش می‌شود. البته این به معنای کامل‌ترین مصداق آیه است. توجه به این نکته نیز ضروری است که این آیه شباهت محتوایی با آیه بعد دارد که از آمران به معروف و ناهیان از منکر با عبارت «خیر امة» یاد شده و در آنجا وجه معنایی فوق‌الذکر بارزتر و مشخص‌تر است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود. از این رو از میان ترجمه‌های موجود تنها ترجمه‌ی خواجوی است که با جایگزینی کلمه «عالمان» به جای امة به این نکته نظر داشته و نزدیک شده است. شایان ذکر است، گزینش ترجمه بهتر تنها با در نظر گرفتن معادل امة صورت گرفته و سایر بخش‌های ترجمه مد نظر نیست و بحثی خارج از حیطه این نوشتار است. در پایان به نظر می‌رسد می‌توان ترجمه‌ای مناسب‌تر به شرح زیر ارائه کرد:

و باید در میان شما [مسلمانان] اسوه‌گانی باشند که به نیکی دعوت کنند و به معروف امر و از منکر نهی نمایند! و آنان قطعاً همان رستگاران‌اند.

۲-۲-۱-۴. ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (آل عمران: ۱۱۰)

### ۲-۲-۱-۴-۱. ترجمه‌ها

به جز ترجمه فیض الاسلام که در ادامه آمده، سایر مترجمان امة را به گروه و امت ترجمه کرده‌اند: - شما بهترین امت و گروهی (ائمه و پیشوایانی) هستید که برای مردم آشکار شده‌اید (فیض الاسلام، ۱۴۱۵)؛

البته در ترجمه الهی قمشه‌ای و نوبری نیز امة همان امت ترجمه شده اما با مشخص کردن مرجع ضمیر در «کنتم» به نوعی تفاوت معنایی در عمومیت این واژه لحاظ شده است. به همین دلیل می‌توان از این دو ترجمه نیز به‌عنوان مصداق متفاوت با سایر ترجمه‌ها یاد کرد.

- ای اصحاب خاص محمد ﷺ شما از نیکان و بهترین مردم این امت هستید (نوبری، ۱۳۹۶)؛

- شما (مسلمانان حقیقی) نیکوترین امتی هستید که پدیدار گشته‌اید (برای اصلاح بشر) (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰).

## ۲-۲-۱-۲-۴-۲. ارزیابی تفسیری

علامه طباطبایی ذیل این آیه، ضمن مشخص کردن اتصاف زمانی محتوای آیه، از قول مفسران می‌آورد: فعل «کنتم» در خصوص این آیه منسلخ از زمان است (طبری، ۱۴۱۲: ۲۹/۴؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۹۹/۳) چون نمی‌خواهد بفرماید شما در زمان گذشته چنین بوده‌اید، بلکه می‌خواهد بفرماید شما چنین امتی هستید... معلوم است که کلیت و گستردگی این شرافت بر امت اسلام، از این جهت است که بعضی از افرادش متصف به حقیقت ایمان، و قائم به حق امر به معروف و نهی از منکرند؛ این بود حاصل آنچه مفسرین در این مقام گفته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/۳۷۷).

همچنین روایات تفسیری منقول از شیعه و سنی نیز به خاص بودن این گروه و عام نبودن آن اذعان دارند و با عباراتی همچون «ما عني بها إلا محمدا و عليا و الأوصياء من ولده» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱/۱۶۷) «هم الذين هاجروا مع رسول الله صلى الله عليه و سلم، من مكة إلى المدينة، و خاصة من أصحاب رسول الله صلى الله عليه و سلم» (طبری، ۱۴۱۲: ۲۹/۴) این مطلب را بیان داشته‌اند.

جالب اینکه در یک روایت منقول از امام صادق عليه السلام تعلیلی برای این تخصیص بیان شده که بسیار زیباست: «خير امة يقتلون أمير المؤمنين و الحسن و الحسين ابني علي عليه السلام؟» و در پاسخ راوی از مصداق آیه، حضرت عليه السلام در قرائت تفسیری خویش می‌فرماید «نزلت (کنتم خير ائمة أخرجت للناس) ألا ترى مدح الله لهم تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنكر و تؤمنون بالله؟» (بحرانی، ۱۴۱۶: ۱/۶۷۶) در واقع حضرت عليه السلام عبارات انتهایی آیه را دلیل محکمی بر صدر آیه بیان کرده‌اند.

## ۲-۲-۱-۳-۴-۲. ارزیابی ترجمه‌ها و جمع‌بندی

نظر به آنچه گفته شد، همانند سایر آیات این گونه معنایی، به نظر می‌رسد گزینش وجه معنایی «پیشوایان» از میان وجوه معنای لغوی واژه امة مناسب‌تر باشد. از این رو تنها ترجمه فیض



الاسلام است که در داخل پراکنش مراد از امت را معنا کرده است و دو ترجمه دیگر با ظاهر کردن مرجع ضمیر «کنتم» سعی کرده‌اند تخصیص را برسانند اما واژه امة همچنان امت ترجمه شده است. ترجمه زیر نیز می‌تواند پیشنهاد شود:

شما بهترین پیشوایانی هستید که بر مردم پدید آمده‌اید.

۲-۲-۲. گونه پنجم: واژه «امة» به معنای خلق و آفریدگان

﴿وَمَا مِنْ دَائِيَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾ (الأنعام: ۳۸)

۲-۲-۲.۱. ترجمه‌ها

تمامی مترجمان واژه امم را در این آیه نیز تنها «گروه و امت» معنا کرده‌اند به جز موارد زیر:

- و هر جنبنده‌ای در زمین... همگی طایفه‌هایی مانند شما (نوع بشر) هستند... (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰):

- نیست هیچ جنبنده‌ای در زمین... مگر آن‌ها اصنافی‌اند مانند شما (در آفرینش)... (سراج، بی‌تا):

- نیست هیچ جنبنده‌ای در زمین... مگر اجناسی‌اند همچون شما آفریده، و روزی خورنده... (نسفی، ۱۳۶۷):

- نیست جنبنده در روی زمین... جز آنکه آن‌ها هم مانند شما نوعی از موجودات هستند... (بروجردی، ۱۳۶۶):

- هیچ جاننداری در زمین... نیست مگر آنکه مخلوقی همانند شما هستند... (کاوپانپور، ۱۳۷۸):

در ترجمه‌های مذکور عبارات «طایفه، اصناف، اجناس، نوعی از موجودات و مخلوق» جایگزین واژه امة شده‌اند که در ادامه با نگاه به وجه تفسیری آن و با توجه به آنچه پیش‌تر در وجه لغوی بحث شد به ارزیابی آن می‌پردازیم.

۲-۲-۲.۲. ارزیابی تفسیری

اکثر مفسران واژه امم را همان امت و جماعت معنا کرده‌اند که ناظر به اصل معنای لغوی است و به معنای جمعیت‌های شکل یافته و دارای مقاصد مشترک و نظام مشترک است (قرشی، ۱۳۷۷):

۲۱۶/۳). اما علامه طباطبایی بحث بسیار مفصلی طرح می‌کند که معنایی کاملاً متفاوت نسبت به دیگران از آن اراده می‌شود. ایشان ضمن تعریف واژه امة، مثلث مورد بحث در آیه را در اطلاق امت به غیر انسان، به دلیل همانندی سایر موجودات با انسان در داشتن نظرات، عقاید و شعور می‌داند و مثلث به دلیل کثرت و عدد، و یا ارتزاق و تهیه مسکن و... را نفی می‌کند.

به عبارت دیگر همانندی در بنای خلقت را دلیل این تعبیر می‌داند چرا که آن‌ها نیز مانند نوع بشر بیهوده خلق نشده‌اند و به سوی کمال حرکت دارند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷/۷۳ - ۸۲، ذیل عنوان «کلام في المتمعات الحيوانية»). در روایات تفسیری نیز از امم، به «کل شيء مما خلق خلق مثلکم» (قمی، ۱۳۶۷: ۱/۱۹۸) و «خلق مثلکم محفوظة احوالها، مقدرة ارزاقها، مكتوبة اجالها» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱/۳۱۸) تعبیر شده است.

#### ۲-۲-۳. ارزیابی ترجمه‌ها و جمع‌بندی

از مجموعه مطالب بیان شده می‌توان نتیجه گرفت که این مثلث به خلقت و هدف از خلقت است؛ به همین دلیل مراد از امت بودن سایر مخلوقات همسانی آنان در خلقت با انسان است. پیش‌تر اشاره شد که یکی از وجوه معنایی مستعمل در کتب لغت نیز «خلق» است (الامة: الخلق کلهم، طریحی، ۱۳۷۵: ۶/۱۲؛ امة الله: خلقه، ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲/۲۸). از این رو به نظر می‌رسد در این آیه معادل خلق در ترجمه امم صحیح‌تر باشد.

با توجه به آنچه گفته شد، کاویانپور معادل بهتری را برگزیده است و همچنین نسفی و بروجردی به معنا نزدیک شده‌اند.

#### نتیجه‌گیری

از میان معانی یادشده در میان لغویان از واژه «امة»، پنج وجه معنایی در قرآن به کار رفته است که مترجمان در سه وجه آن با یکدیگر هم‌نظرند و با وجود اینکه در بسیاری از آیات معادل‌هایی که مترجمان برای گزارش از این سه وجه معنایی در نظر گرفته‌اند بسته به ذوق و سلیقه، مختلف است اما در عین تعدد الفاظ، معانی مترادف‌اند و می‌توان آن‌ها را یکسان محسوب کرد و ذیل یک گونه جای داد. این وجوه عبارت‌اند از: ۱- جماعت، دسته یا گروه دارای وجه مشترک؛ ۲- کیش و آیین؛ ۳، مدت و زمان.

در ترجمه دو وجه از معانی به کار رفته از واژه «امة» در قرآن میان مترجمان اختلاف است و در بسیاری از موارد مترجمان در یافتن معادل مناسب برای آن ناتوان بوده‌اند. این امر پنج آیه را در بر می‌گیرد که برای هر یک از این آیات متناسب با سیاق آیه، معانی زیر پیشنهاد شده است: ۱ - پیشوا و خواص مؤمنان ۲ - مخلوقات و آفریدگان.



معانی واژه «امة»	واژه «امة»	آدرس آیات	گونه‌های معنایی واژه «امة»
جماعت، دسته یا گروه دارای وجه مشترک	امة	البقرة: ۱۲۸؛ المؤمنون: ۴۴؛ القصص: ۲۳؛ النساء: ۴۱؛ الأنعام: ۱۰۸؛ الأعراف: ۳۴؛ یونس: ۴۷؛ یونس: ۴۹؛ الحجر: ۵؛ النحل: ۳۶؛ النحل: ۸۴؛ النحل: ۸۹؛ الحج: ۳۴؛ الحج: ۶۷؛ المؤمنون: ۴۳؛ النمل: ۸۳؛ القصص: ۷۵؛ فاطر: ۲۴؛ غافر: ۵؛ الجاثية: ۲۸؛ البقرة: ۱۳۴؛ البقرة: ۱۴۱؛ آل عمران: ۱۱۳؛ المائدة: ۶۶؛ الأعراف: ۱۵۹؛ الأعراف: ۱۶۴؛ الأعراف: ۱۸۱؛ النحل: ۹۲؛ الأنعام: ۴۲؛ الأعراف: ۳۸؛ هود: ۴۸؛ النحل: ۶۳؛ فصلت: ۲۵؛ الأحقاف: ۱۸؛ الرعد: ۳۰؛ العنكبوت: ۱۸؛ الأعراف: ۱۶۰؛ الأعراف: ۱۶۸	گونه اول

آیات مورد اتفاق مترجمان در ترجمه



کیش و آیین	امه	الزخرف: ۲۲ و ۲۳. البقرة: ۲۱۳؛ المائدة: ۴۸؛ یونس: ۱۹؛ هود: ۱۱۸؛ الشوری: ۸؛ النحل: ۹۳؛ الأنبياء: ۹۲؛ المؤمنون: ۵۲؛ الزخرف: ۳۳.	گونه دوم	آیات مختلفی میان مترجمان در ترجمه
	امه مَعْدُوْدَةٌ بَعْدَ امه	هود: ۸ یوسف: ۴۵	گونه سوم	
پیشوا و خواص مؤمنان	خَيْرَ امه امه قَانِتًا امه وَسَطًا	آل عمران: ۱۱۰ آل عمران: ۱۰۴ النحل: ۱۲۰ البقرة: ۱۴۳	گونه چهارم	
	خلق و آفریدگان	أُمَّمٌ	الأنعام: ۳۸	

پی‌نوشت‌ها:

۱. گستره مطالعاتی در پژوهش حاضر، منابعی است که در ویراست سوم از نرم افزار جامع التفاسیر موجود است اعم از ترجمه‌های متقدم، متاخر و معاصر قرآن کریم.
۲. روایات متعددی متضمن این مطلب هستند که در کتب اصول کافی، تفسیر قمی، تفسیر عیاشی، مناقب ابن شهر آشوب و... آمده‌اند و کتاب نور الثقلین آنها را جمع‌آوری کرده است. ر.ک: حویزی، ۱۳۴/۱.

## منابع

۱. قرآن کریم؛
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم، اسعد محمد الطیب، عربستان سعودی: مكتبة نزار مصطفى الباز؛
۳. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ق). زاد المسیر فی علم التفسیر، عبدالرزاق المهدي، بیروت: دارالکتب العربی؛
۴. ابن عجبیه، احمد بن محمد. (۱۴۱۹ق). البحر المذید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره، دکتر حسن عباس زکی؛
۵. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (بی تا). تفسیر القرآن العظیم، محمد حسین شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیة؛
۶. ابن منظور، (۱۴۱۴ق). محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر؛
۷. ارفع، سید کاظم. (۱۳۸۵ش). ترجمه قرآن، تهران: فیض کاشانی، چاپ سوم؛
۸. الهی قمشه ای، مهدی. (۱۳۸۰ق). ترجمه قرآن، قم: فاطمة الزهراء؛
۹. بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت؛
۱۰. بروجردی، سید محمد ابراهیم. (۱۳۶۶ش). ترجمه قرآن، تهران: انتشارات صدر؛
۱۱. ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی؛
۱۲. حقی بروسوی، اسماعیل. (بی تا). تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر؛
۱۳. خواجهی، محمد. (۱۴۱۰ق). ترجمه قرآن، تهران: انتشارات مولی؛
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم الدار الشامیة؛
۱۵. رهنما، زین العابدین. (۱۳۴۶). ترجمه و تفسیر رهنما، تهران: انتشارات کیهان، رهنما؛



۱۶. زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی؛
۱۷. سراج، رضا. (بی تا). ترجمه قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار؛
۱۸. صادق نوبری، عبد المجید. (۱۳۹۶ق). ترجمه قرآن، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال؛
۱۹. صفارزاده، طاهره. (۱۳۸۰ش). ترجمه قرآن، تهران: موسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر؛
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه؛
۲۱. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه؛
۲۲. طنطاوی، سید محمد. (بی تا). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، بی جا؛
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، محمدجواد بلاغی، تهران: ناصرخسرو؛
۲۴. طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین، سید احمد حسین، تهران: مرتضوی؛
۲۵. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین، سید هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان؛
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین، قم: هجرت؛
۲۷. فولادوند، محمد مهدی. (۱۴۱۵ق). ترجمه قرآن، تهران: دار القرآن الکریم؛
۲۸. فیض الاسلام، سید علی نقی. (۱۳۷۸ش). ترجمه و تفسیر قرآن عظیم، تهران: انتشارات فقیه؛
۲۹. فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۸ق). الأصفی فی تفسیر القرآن، محمدحسین درایتی و محمدرضا نعمتی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی؛
۳۰. فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۵ق). الصافی، حسین اعلی، تهران: الصدر؛
۳۱. قرائتی، محسن. (۱۳۸۳ش). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن؛
۳۲. قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷ش). تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت؛

۳۳. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷ش). تفسیر قمی، سید طیب موسوی جزائری، قم: دار  
الکتاب؛
۳۴. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا. (۱۳۶۸ش). کنز الدقائق و بحر الغرائب، حسین  
درگاهی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی؛
۳۵. کاویانپور، احمد. (۱۳۷۸ش). ترجمه قرآن، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال؛
۳۶. مشکینی، علی. (۱۳۸۱ش). ترجمه قرآن، قم: الهادی؛
۳۷. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰ش). التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: بنگاه ترجمه و  
نشر کتاب؛
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳ش). ترجمه قرآن، قم: دار القرآن الکریم؛
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية؛
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۱ق). الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم: مدرسه امام  
علی بن ابی طالب؛
۴۱. نسفی، ابو حفص نجم‌الدین محمد. (۱۳۶۷ش). تفسیر نسفی، دکتر عزیزالله جوینی،  
تهران: انتشارات سروش.



## العلاقة المتبادلة بين التفكير والتقوى في القرآن الكريم

عظيم الله نبي لو (طالب دكتوراه في جامعة القرآن والحديث)

nabilu62@gmail.com

(تاريخ استلام البحث: ٢٠١٧/٠٥/٠٨ م تاريخ قبول النشر: ٢٠١٧/٠٨/١٢ م)

### ملخص البحث

في القرآن الكريم هناك علاقة متبادلة بين الكثير من المفاهيم. مفهوم «التفكير» و«التقوى» من المفاهيم التي تلاحظ هذه العلاقة بينهما بوضوح. النص الذي بين أيديكم يبحث بأسلوب توصيفي - وتحليلي العلاقة المتبادلة بين هذين المفهومين، ويستعرض بايجاز تأثيرات التفكير في التقوى وبالعكس. ومن هنا فقد أشار إلى أنّ التفكير معبر للتقوى، وترسيخ التقوى وتعميقها عن طريق التفكير، في باب تأثيرات التفكير على التقوى، ويبيّن ما للتقوى من هداية فكرية ودور تحذيري. كما أشار أيضاً إلى علاقة مراتب التقوى بالتفكير، وكشف عن السرّ الكامن توجيه الخطاب إلى ذوي الفكر والتعقل. وفي الختام صوّر الترابط بين هذين المفهومين بالترابط الضروري الذي تترتب عليه آثار ومعطيات.

الألفاظ المفتاحية: العلاقة المتبادلة، التقوى، التفكير، القرآن الكريم.

\*\*\*\*\*

الألفاظ المفتاحية: العلاقة المتبادلة، التقوى، التفكر، القرآن كريم.

## المبادئ القرآنية للتوبة في الصحيفة السجادية

مهديه اكبرلو (ماجستير في جامعة القرآن والحديث)

mahdiakbari1355@gmail.com

محمد علي مهديوي راد (استاذ مساعد في جامعة طهران)

mahdavirad@isca.ac.ir

(تاريخ استلام البحث: ٢٠١٥/١١/١٦ م تاريخ قبول النشر: ٢٠١٦/٠١/١٤ م)

### ملخص البحث

الصحيفة السجادية، تراث قيم وبنّاء لسيد الساجدين علي بن الحسين عليه السلام المعروفة بزبور آل محمد عليه السلام. وهي تأتي تبعاً للحديث المتواتر والشريف وهو حديث الثقلين، وكذلك مفاد كلام رسول الله صلى الله عليه وآله: «أنتم مع القرآن والقرآن معكم» التعاليم الروائية والقرآنية تجري بالتوازي والتساوي. ومن هنا تتضح ضرورة وجدوى دراسة محتوى هذه الصحيفة. وقد اتضح من خلال البحث الترابط العميق من حيث المحتوى بين هذين التراثين القيمين، وهو ما يمكن أن يشكل دليلاً قاطعاً على صحة انتساب الصحيفة الى الإمام عليه السلام. يحاول هذا البحث من خلال تبين الترابط بين القرآن والصحيفة، وملاحظة تفسير الآيات في مجال منطلقات التوبة، الكشف عن الترابط في المحتوى بين هذين الكتابين الشريفين.

من خلال مراجعة الصحيفة السجادية، استخرج هذا البحث أهم منطلقات التوبة ودواعيها التي لها جذورها في ذات الله تعالى وصفات كمال الخالق مثل الهيمنة، والرحمة، والغفارية، والتوابية، والفضل، ثم شرح وبيّن بشكل أوسع كل واحدٍ من هذه الاصول. الألفاظ المفتاحية: القرآن، الصحيفة السجادية، التوبة، المباني.

\*\*\*\*\*



## الموانع الأخلاقية للتعقل من وجهة نظر القرآن والروايات

هاجر محسن زاده (ماجستير في علوم القرآن والحديث، جامعة القرآن والحديث)

hmohsenzadeh@yahoo.com

محمد رنجبر حسيني (استاذ مساعد في جامعة القرآن والحديث)

ranjbar.m@qhu.ac.ir

(تاريخ استلام البحث: ٢٠١٧/٠٣/٠٩ م تاريخ قبول النشر: ٢٠١٧/٠٥/٠٧ م)

### ملخص البحث

العقل نعمة أودعها الله في وجود الإنسان لهديته الى سواء السبيل. بالتعقل يسير الإنسان على طريق الحياة القويم وينال السعادة. وهذا ما جعل النصوص الدينية تدعو الى التعقل وتحث عليه. العقل ينزلق الى الانحراف أحياناً بسبب ما يعتريه من آفات. هذه الآفات الموانع تؤدي الى ضعف في قوة المعرفة، وفي قدرة العقل على التشخيص، وهو ما يفضي بالنتيجة الى تغيير في نظرة الشخص ورؤيته للامور. ومن يريد الحصول على أفكار سليمة ونورانية، عليه السعي الى معرفة هذه الموانع والتخلص منها. من موانع التعقل، الموانع الأخلاقية. حيث أشير في النصوص الدينية الى أن الرذائل الأخلاقية تحول دون تعقل الإنسان؛ ومن هنا نتناول في هذا البحث وبأسلوب وصفي - وتحليلي، الموانع الأخلاقية للتعقل من وجهة نظر الآيات والروايات، حيث كانت حصيلة ذلك هي أن: هوى النفس، وحب الدنيا، والعجب والأنانية، والكبر، والغرور، والحرص، والطمع، تمثل أهم الموانع الأخلاقية للتعقل من وجهة نظر القرآن والروايات. الألفاظ المفتاحية: موانع التعقل، الموانع الأخلاقية، العقل، القلب، هوى النفس، حب الدنيا، الكبر والغرور.

\*\*\*\*\*

## موانع قبول العمل من وجهة نظر القرآن والروايات

فاطمة يگانه (ماجستير في علوم القرآن والحديث، جامعة القرآن والحديث)

f.yeganeh87@gmail.com

هادي حجت (استاذ مساعد في جامعة القرآن والحديث)

hojjat.h@qhu.ac.ir

(تاريخ استلام البحث: ٢٠١٦/١١/٠٤ م تاريخ قبول النشر: ٢٠١٧/٠١/٢٩ م)

### ملخص البحث

تفاوت العمل في الرؤية الكونية الدينية عن الرؤى الاخرى يكمن أن في العمل، لا يقتصر على

تفكير

دوره ٢ - شماره ٩ - بهار و تابستان ١٣٩٥

الأداء المادي والديني فحسب، والعمل الوحيد الذي يكون مدعاة للسعادة والفلاح هو ذلك العمل الذي يتقبله الله. عند التأمل في الآيات والروايات يمكن تقسيم العوامل التي تحول دون قبول الأعمال وتكون سبباً في ذهابها أدراج الرياح، الى ثلاثة أقسام: ١. موانع اعتقادية منها: الكفر، والشرك، والنفاق؛ ٢. موانع سلوكية عامة مثل: ترك الواجبات، والفسق، وارتكاب المعاصي؛ ٣. موانع سلوكية خاصة ومنها: حب الدنيا، وعقوق الوالدين، والتهمة، والغيبة، والحسد، و... في هذا البحث نتقصى هذه العوامل ونسلط الضوء عليها استناداً الى ما جاء في آيات القرآن الكريم وفي الروايات.

الألفاظ المفتاحية: قبول الأعمال، حبط الأعمال، موانع قبول الأعمال.

\*\*\*\*\*

## علاقة محتوى الكتب السماوية من وجهة نظر القرآن كريم

مطهره جعفري (ماجستير في علوم القرآن والحديث، جامعة القرآن والحديث)

mj\_24may1990@yahoo.com

جليل پروين (عضو الهيئة العلمية في جامعة القرآن والحديث)

jalilparvin@yahoo.com

(تاريخ استلام البحث: ٢٠١٥/٠٦/٢٨ م تاريخ قبول النشر: ٢٠١٥/٠٩/٠٥ م)

### ملخص البحث

القرآن، بصفته أكمل وآخر كتاب سماوي، يصف الكتب السماوية السابقة بعناوين عامة وخاصة مثل: الكتاب، والصُّحُف، والرُّبْر، والألواح، والتوراة، والإنجيل، والزَّبُور. يشرح هذا البحث، العلاقة بين محتوى الكتب السماوية السابقة في ما بينها وكذلك بينها وبين محتوى القرآن. من حيث المحتوى، التوراة الأصيلة، أكثر ما تتناول سنخ الأحكام والاعتقادات (التوحيد، والمعاد، والنبوة)، بينما الإنجيل الأصلي، أكثر ما يتحدّث عن الموعظة والأخلاق. وهذا هو ما جعل هذين الكتابين يتخذان الى جانب بعضهما، كوسيلة لهداية الناس. أما القرآن، بعنوان أكمل وآخر كتاب سماوي، فقد وُصف بـ «المُهَيِّم» على الكتب السماوية السابقة. وهذا يعني أن علاقة القرآن الكريم بجميع الكتب السماوية السابقة، عموم وخصوص مطلق. وعلاقة كتابي التوراة والانجيل مع بعضهما علاقة عموم



وخصوص من وجه. ويبدو أنه لا يوجد في القرآن الكريم ما يُفصح عن محتوى صحف  
ابراهيم عليه السلام وزبور داود عليه السلام.  
الألفاظ المفتاحية: القرآن، الكتب السماوية، التوراة، الانجيل.

\*\*\*\*\*

## الوجوه الدلالية لكلمة «امة» في القرآن الكريم؛

(تقضي ونقد لترجمات القرآن باللغة الفارسية)

پوران ميرزائي (عضوة الهيئة العلمية في جامعة القرآن والحديث)

mirzaee785@gmail.com

(تاريخ استلام البحث: ٢٠١٥/٠٨/٢٦ تاريخ قبول النشر: ٢٠١٥/١٠/٠٧م)

### ملخص البحث

نظراً الى أن لغة القرآن الكريم هي اللغة العربية، وهو مما يصعب فهمه للمسلمين الذين لا يحيطون بهذه اللغة، لذلك فقد كانت ترجمة هذا الكتاب المقدس الى سائر اللغات، ومنها اللغة الفارسية، موضع اهتمام العلماء منذ القدم، إلا أن مهمة اختيار المرادفات الصحيحة أو الأفضل للكلمات والعبارات القرآنية خلال عملية الترجمة، عملية صعبة وكثيراً ما توقع المترجمين بأخطاء. ومن هذه الكلمات التي يخطأ المترجمون في ترجمتها هي كلمة «امة» التي لها في اللغة العربية أكثر من أربعة عشر معنى، جاءت منها خمسة معانٍ دلالية في القرآن الكريم. هذه الوجوه الدلالية عبارة عما يلي: الجماعة، الفئة أو المجموعة التي يجمع بينها وجه مشترك، الدين والمعتقد، المدّة والزمان، الأمير الاسوة، وخواص المؤمنين، والخلق. ترجمة النوعين الأخيرين التي تضمّ ما مجموعه خمس آيات، يختلف فيها المترجمون، وفي بعض الآيات لم يضع لها المترجمون مرادفاً صحيحاً. في هذا البحث تناولنا هذا الموضوع بالمقارنة والنقد التفسيري - واللغوي للترجمات الفارسية للقرآن الكريم. وكانت نتيجته ايجاد مرادف لمعاني الأمير والخلق لهذه المجموعة من الآيات.

الألفاظ المفتاحية: الامة، الوجوه الدلالية، ترجمات القرآن، النقد.



## **ABSTRACTS**

Hamid Reza Salarkia

### **A study on the interrelationship between reflection and God-wariness in the Qur'an**

Azimollah Nabilu (A PhD student at the University of the Qur'an and Hadith)  
nabilu62@gmail.com

Many concepts in the Qur'an interrelate. The two concepts of *tafakkur* (reflection) and *taqwa* (God-wariness or Godliness) are among those concepts in which this interrelationship can clearly be seen. Having applied a descriptive-analytical method, the present writing studies how these two concepts interrelate and briefly explains how they affect each other. For this reason, it denotes – in the chapter devoted to the effects of reflection on God-wariness - that the reflection plays the role of a bridge for God-wariness and that the latter will be strengthened by means of reflection. It also pays attention to intellectual guidance and warning aspect of God-wariness. It further mentions the relationship between the degrees of God-wariness and applying reason, and refers to the secret behind the fact that the Qur'an addresses those who apply reason. Finally, the article considers the connection between these two concepts as necessary and effective.

**Keywords:** interrelationship, God-wariness, reflection, the Holy Qur'an.

\*\*\*\*\*

### **Qur'anic fundamentals of repentance in al-Şahīfah al-Sajjādiyyah**

Mahdiyeh Akbarlu (MA at the University of the Qur'an and Hadith)  
Mahdiakbari1355@gmail.com

Muhammad Ali Mahdavi Rad (Associate Professor at the University of Tehran)  
mahdavirad@isca.ac.ir

*Al-Şahīfah al-Sajjādiyyah* is the precious legacy of the Ornament of the Worshippers, Imam `Ali ibn al-Husayn (‘a. s.) which instructs one how to live a pure life, and is known as the Psalms of the Prophet's



Household (*Zabūr Āl Muḥammad*). The relevant teachings from the Qur'an and traditions mentioned after the *mutāwatir* Prophetic hadith of Thaḳalayn (the Two Weighty Things), as well as the purport of the Prophet's word: "You [O my Household] are with the Qur'an and the Qur'an is with you" are convergent (and relatively uniform). This way the study of the theme of *al-Ṣaḥīfah al-Sajjādiyyah* is necessary and useful from this research-oriented point of view. During this investigation, if the deep content-oriented relationship between these two precious legacies are elucidated, it can be deemed a strong proof for the validity of attribution of this book to the fourth Imam. This research that explains the relationship between the Qur'an and *al-Ṣaḥīfah al-Sajjādiyyah*, and pays attention to the commentary of the verses related to the origins of repentance, is considered as an attempt to show the content-oriented connection between these two precious books.

Consulting *al-Ṣaḥīfah al-Sajjādiyyah*, the present research has extracted the most important origins of repentance that stem from the Essence of Allah, the Exalted and His attributes of perfection like power, mercy, forgiveness, clemency, and grace – and then has analyzed each and every of these principles in detail.

**Keywords:** the Qur'an, *al-Ṣaḥīfah al-Sajjādiyyah*, repentance, fundamentals.

\*\*\*\*\*

### **Moral impediments to reasoning (*ta`aqqul*) from the perspective of the Qur'an and traditions**

Hajar Mohsenzadeh (MA in the Qur'an and Hadith at the University of the Qur'an and Hadith)

hmohsenzadeh@yahoo.com

Muhammad Ranjbar Hosseini (Assistant Professor at the University of the Qur'an and Hadith)

ranjbar.m@qhu.ac.ir

Allah has trusted humans with reason (*`aql*) to guide them. By means of reasoning (*ta`aqqul*) one steps on the right path of life and attains happiness. It is from this aspect that the scriptures have advised people to reason. Due to certain blights, the reason occasionally goes astray. These blights and impediments cause weakness in cognition power and the recognition of the reason and consequently cause change in one's insight and attitude. In order for man to achieve a





pure and brilliant thought he should be determined to know and remove these impediments. One kind of the impediments to reasoning is the moral one (i.e. the vices). It has been mentioned in scriptures that the vices are impediments to reasoning. Having applied a descriptive-analytical method this article has dealt with investigation of moral impediments from the perspective of the Qur'an and the traditions. It concluded that carnal desire, love of this world, self-conceit, haughtiness, and avarice are considered, from the perspective of the Qur'an and traditions, as major moral impediments to reasoning.

**Keywords:** impediments to reasoning, moral impediments, reason, heart, carnal desire, love of this world, and avarice.

\*\*\*\*\*

### **Impediments to acceptance of deeds from the perspective of the Qur'an and traditions**

Fatemeh Yeganeh (MA in Qur'anic Sciences at the University of the Qur'an and Hadith)

f.yeganeh87@gmail.com

Hadi Hojjat (Associate Professor at the University of the Qur'an and Hadith)

Hojjat.h@qhu.ac.ir

The differentiation between the deed (*`amal*) in religious worldview and the same term in other attitudes is that it does not merely have a material and worldly function, rather [it has a spiritual function, as well so that] the only deed that occasions happiness and felicitation is the one that is accepted by Allah. Pondering the verses of the Qur'an and the traditions one can classify the factors that prevent the deed from being accepted and cause it to be frustrated, in three groups: 1) doctrinal impediments including disbelief, associating a partner to God, and hypocrisy; 2) general behavioral impediments, like non-performance of religious duties, debauchery and sinning; 3) particular behavioral impediments such as mammonism, disrespect and disobedience of a child to his parents, slander, backbiting, jealousy, etc. These factors have been identified and studied in this article based on Qur'anic verses and the traditions.

**Keywords:** acceptance of the deeds, frustration of deed, impediments to acceptance of deed.

## **Text-oriented proportion of the revealed books from the perspective of the Holy Qur'an**

Motahhareh Ja'fari (MA in the Qur'an and Hadith at the  
University of the Qur'an and Hadith)  
mj\_24may1990@yahoo.com

Jalil Parvin (Faculty member of the University of the Qur'an and Hadith)  
jalilparvin@yahoo.com

The Qur'an, as the most perfect and the last revealed book, makes mention of the past revealed books under such general and specific titles as *kitāb* (book), *ṣuḥuf* (scripts), psalms (*zabur*), tablets (*alwāḥ*), Torah (*tawrāt*), Evangel or Gospel (*injīl*) and Psalm (*zabūr*). In this article the content-oriented proportion of the past revealed books with one another, as well as the content-oriented proportion of the Qur'an with them have been analyzed. From the aspect of the content, the genuine Torah consisted majorly of laws and doctrines (oneness of God, resurrection, and prophethood), and the genuine Gospel consisted mostly of preaching and moral instructions. This fact caused that these two books be introduced as the means of guidance for people. The Qur'an, as the most complete and the last revealed book, however, has been introduced as the overwhelming book over past revealed books. For this reason, the proportion of the Holy Qur'an with all past revealed books is "absolute generality and peculiarity" while the proportion of the two books of the Torah and the Gospel is "generality and peculiarity in some respect". Seemingly, there exist no information in the Qur'an about the content of the *Ṣuḥuf* of Ibrāhīm (Abraham) and Zabūr of Dawūd (David).

**Keywords:** the Qur'an, revealed books, the Torah, the Gospel.

\*\*\*\*\*

## **Semantic aspects of the term "ummaḥ" in the Qur'an (investigation and criticism of Persian translations)**

Pouran Mirzaee (faculty member of the University of the Qur'an and Hadith)  
mirzaee785@gmail.com

Whereas the language of the Qur'an is Arabic whose understanding is difficult for the Muslims who do not master this language,





translation of this sacred book into other languages including Persian has been focused by the scholars, but it is a very difficult task to find the correct or more correct equivalent for Qur'anic words and phrases, an issue that the translators failed to do properly. Among these terms is "*ummah*" which has been used in more than fourteen senses, five of which have been applied in the Qur'an. These senses are: community, group with a similarity (among its members), cult, term or time, role model leader for the faithful, people or nation. There is a diversity of opinion among translators about the last two senses, occurred in five verses in total, so that no correct equivalent was suggested by the translators in certain verses. This article has compared the Persian translations and has made an interpretive-lexicological criticism. The result of this investigation is success in finding equivalents of "leader" and "nation or people" for the above term in this group of verses.

**Keywords:** *ummah*, meanings, translations of the Qur'an, criticism.